

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۵۰۷

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

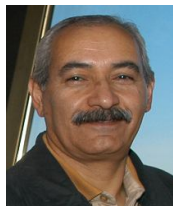
نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۵ اسفند ۱۳۸۸، ۲۴ فوریه ۲۰۱۰

سردبیر، منصور فرزاد - عبدال گلپریان



عبدال گلپریان

سیاسی این حزب در پیش گرفته است. ترجمه فارسی این خبر چنین است:  
"منبعی از کمیته رهبری حزب

صفحه ۲

## حزب دمکرات و موضوع مذاکره با رژیم اسلامی و جناحهای آن

سایت پروژه لات که مطالب خود را به زبان کردی منتشر میکند، نوشته است حزب دمکرات مدتی است که با رهبری "جنبش سبز" مشغول گفتگو و دیالوگ است و این تلاش را بنا به سیاست دفتر



ناصر اصغری

در ایران برخوردار است. زیرا زن در ایران امروز دیگر بیحقوق نیست، بلکه زن بودن مساوی نبودن است؛

صفحه ۳

## ۸ مارس چگونه ۸ مارس شد؟

ایده روزی که بتوان آن را روز جهانی زنان خواند و در آن روز بر مسائل مهم و مطالبات زنان تمرکز کرد، از نیاز به برابری حقوقی و رجوع و مبارزه برای رفع نابرابری حقوقی بر علیه زنان و مبارزه بر علیه سؤ استفاده ای که جامعه طبقاتی از اختلاف جنسی بین جنسیت زن و مرد می کند، برخاسته است. حتی امروز هم اگر از

## مانیفست آزادی زن در ایران به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن!

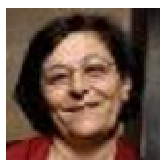
هشت مارس امسال، روز بزرگداشت ندا سمبل مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی!

سمبل انقلاب جاری در ایران، و حکم و امر زنان شجاع و پیشروی است که هفت ماه است در پیشاپیش صفوف مردم کل حکومت زن ستیز اسلامی را به چالش کشیده اند.

صفحه ۲

بیحقوقی ها به زنان در ایران است. بدون آزادی زن جامعه آزاد نخواهد شد و بدون سرنگونی جمهوری ضد زن اسلامی زنان به حقوق خود دست نخواهند یافت. جمهوری اسلامی باید برود! این پیام ندا آقا سلطان

نفس وجود جمهوری اسلامی با آزادی زنان مغایر است. جمهوری اسلامی حکومتی زن ستیز، برپاکننده آپارتاید جنسی، و عامل سه دهه تحمیل شنیع ترین اهانتها و تحقیرها و شدیدترین سرکوبگریها و



## نامه سرگشاده مینا احدی به آنجلا مرکل: بسط حکومت اسلامی در آلمان را باید فوراً جمع کرد!

مستأفانه دولت آلمان، در طول حیات حکومت اسلامی، با سیاست مماشات و همراهی با این حکومت نشان داده است که هیچ درسی از تجربه دوران هیتلر نگرفته است. شما و دولت شما و در عین حال سرمایه داران آلمان، با خواندن اورادی در مورد جنایات هیتلر و با گرفتن ژست اعتراض به آن فجایع، امروز و در مقابل چشم ما میلیونها نفر مردم ایران، ما قربانیان هیتلرهای زمان، با این جنایتکاران دست دوستی میدهد، چشم خود را در مقابل اعداهای گسترده و سنگسار و تجاوز در زندانها و قتل ندا و نداها می بندد، و کماکان به این جانپان به چشم دولت مشروع ایران نگاه

صفحه ۶

خانم مرکل!  
در آلمان، یک فرهنگ انسانی تنفر و انزجار از فاشیسم و بویژه فجایع دوره هیتلر وجود دارد. بررسی این دوره تاریک در تاریخ آلمان و درس گرفتن از آن، یک موضوع مهم تدریس در مدارس و حتی دانشگاهها و یک موضوع دائمی مباحثات در این جامعه است. از نظر من مهمترین درس این تاریخ، عدم همکاری با جنبش های فاشیستی و دولتهایی است که در این قرن و همین امروز، علیه بشریت جنایت میکنند. یکی از این حکومتها که در جنایت و بیشرمی، با حکومت دوران هیتلر، همسانی میکنند، جمهوری اسلامی ایران است.



منصور فرزاد

و جبهه ای را تقویت میکنند.

صفحه ۴

## نگاهی به مصاحبه کورش مدرسی با رادیو زنان

اخیراً کورش مدرسی و چند تن از اعضای رهبری این حزب در چند مقاله و نوشته در رابطه با اوضاع ایران و مبارزات مردم در ۲۲ بهمن، همان مواضع و همان تصویر آشنا از اوضاع سیاسی و "منحصر بفرد" پیشین خود را بنمایش گذاشته اند. موضع این جریان را نمیتوان با

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## مانیفست آزادی زن در ایران ...

از صفحه ۱

ما زنان و مردان آزادیخواه سی سال قبل در هشت مارس ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) در ایران در مقابل ارتجاعیون تازه بقدرت رسیده با فریاد نه به حجاب اجباری ایستادیم و امروز با داشتن تجارب خونین و دردناکی از سه دهه آپارتاید جنسی، بردگی جنسی و سرکوب مستمرزنان، با صدائی رساتر و کوبنده تر بهراه نسل جوان و پیشرو در ایران اعلام میکنیم که جمهوری اسلامی بعنوان يك حکومت ضد زن، بعنوان حکومت آپارتاید جنسی باید سرنگون شود. اعلام میکنیم سران حکومت اسلامی به جرم جنایت سیستماتیک علیه میلیونها زن، بجرم جنایت علیه بشریت باید دستگیر و محاکمه شوند. این فرمان انقلاب در ایران است. با سرنگونی جمهوری اسلامی ما به یاری میلیونها زن در کشورهای اسلام زده می شتاییم که اسیر حکومتها و باندهای تروریست اسلامی و سنتهای ناموس پرستانه و مردسالارانه اسلامی هستند.

دفاع از انقلاب جاری در ایران، امروز میتواند و باید يك حرکت عظیم بین المللی باشد. هشت مارس روز جهانی و بین المللی زنان است و امسال مهر همبستگی با زنان و مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی بر این هشت مارس حك شده است. ما از همه فعالین و سازمانهای مدافع حقوق زن دعوت میکنیم که با جنبش زنان در ایران ابراز همبستگی کنند و یاد ندا آقا سلطان را بعنوان سمبل جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی گرامی بدارند. هشت مارس امسال، روز همبستگی با جنبش آزادیخواهی مردم ایران است!

ما بیانییه زیر را بعنوان مانیفست آزادی زنان در ایران اعلام میداریم وهمه فعالین جنبش آزادی زن و نیروهای سکولار و آزادیخواه را به حمایت از این مانیفست و به همبستگی با مردم ایران در مبارزه برای سرنگونی حکومت آپارتاید جنسی و زن ستیز جمهوری اسلامی فرامیخوانیم.



۱- محاکمه رهبران و مسئولین جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت و از جمله به جرم سی سال تحمیل شنیع ترین اهانتها و تحقیرها و سرکوبگرها و بیحقوقی مفرط به زنان در ایران

۲- لغو همه قوانین ضد زن اسلامی و کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی

۳- جدایی کامل دین از دولت، آموزش و پرورش و کلیه قوانین

۴- لغو جدا سازی جنسیتی و آپارتاید جنسی

۵- ممنوعیت صیغه و تعدد زوجات. حق بیقید و شرط جدائی (طلاق) برای زن و مرد. لغو کلیه قوانینی که حقوق مدنی زنان (نظیر حق مسافرت، معاشرت، شرکت در فعالیتهای اجتماعی و غیره) را به کسب اجازه از شوهر، پدر، و یا سایر مردان خانواده مشروط میکنند. برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد در امر تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی

۶- لغو حجاب اجباری زنان و ممنوعیت حجاب کودکان و به رسمیت شناسی کامل آزادی پوشش

۷- لغو کلیه احکام و قوانین وحشیانه و ضد انسانی سنگسار و اعدام و قصاص و سایر مجازاتهای اسلامی

۸- آزادی بی قید و شرط بیان و اعتراض و آزادی تشکل و اعتصاب و تحزب و اجتماعات

۹- آزادی فوری و بیقید و شرط

همه زندانیان سیاسی و عقیدتی  
۱۰- آزادی مذهب و بی مذهبی و آزادی نقد مذهب

۳ بهمن ۱۳۸۸،  
۲۳ ژانویه ۲۰۱۰  
مینا احدی  
شهرلا دانشفر  
مهین علیپور  
مریم نمازی

## حزب دمکرات و موضوع مذاکره ...

از صفحه ۱

دمکرات کردستان در خارج کشور که خواسته است اسمی از او برده شود، ضمن علنی کردن این خبر اعلام کرد که حدک از طریق نمایندگی خود در کشورهای اروپایی و آمریکا با رهبران جنبش سبز مشغول مذاکره پیرامون خواستههای مردم کرد در شرق کردستان است و این مسئله را با آنها در میان گذاشته اند و در تلاش برای موقعیت و جایگاهی برای کرد در شرق کردستان در تحولات آینده ایران هستند. همین منبع خبری اضافه می کند که در روزهای آینده، کاوه آهنگری نماینده حزب دمکرات در مورد کارهای مربوط به اتحادیه اروپا و مسئول ارتباطات بخش ایرانی این حزب، با محسن سازگارا و محسن مخملباف، بعنوان دو چهره جنبش سبز در خارج کشور مشغول گفتگو و پیام دادن های دفتر سیاسی این حزب به آنها بوده است. همچنین این حزب هم اعلام کرد که این حزب از طریق اشخاصی در

داخل کشور در تهران، مشغول گفتگو و مذاکره با سخنگویان جنبش سبز هستند.

انتشار چنین خبرهایی بخودی خود چیز تازه ای را بیان نمی کند چرا که تلاشهای حزب دمکرات و دیگر جریانات ناسیونالیست کرد و کرنش در مقابل هر کدام از جناحهای حکومت اسلامی سیاستی جا افتاده در برنامه وافق این احزاب بوده است و هیچ ربطی به مردم کردستان ندارد. اگر چیز تازه ای در تقلاهای حدک باشد، تنها شتاب بخشیدن به این سازش و مصالحه آنها با چنگ و دندان و با تن دادن به هر خفتی، و با حکومتی است که در حال رفتن است. این اولین بار نیست که حزب دمکرات خود را به حکومت اسلامی و یا جناح مغضوب آن برای رسیدن به نان و نوبی آویزان می کند. تمام تلاشهای این حزب برای سازش و مصالحه با حکومت اسلامی بویژه

در این دوره، ایستادگی در مقابل انقلاب مردم برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی است. جریانی که حزب دمکرات و جریانات داخل و خارج کشور در این هشت ماه به آن امید بسته اند جناحی از رژیم است که اصلاح طلبان حکومتی نام دارند آنها حافظ نظام و قانون اساسی این رژیم هستند.

حزب دمکرات در واقع با این جناح از رژیم وارد مذاکره شده است. حزب دمکرات البته قبل از نتایج مذاکره حمایت خود را از این جناح رژیم اعلام داشته است. آنها با حذف شعار سرنگونی جمهوری اسلامی سعی کردند راه مذاکره را هموار کنند. اما هنوز قول و قرار دریافت نکرده اعلام حمایت خود را از این جناح رژیم علنی بیان کرده است. این هم البته یکی از نتایج بی افقی ناسیونالیستهای کرد است.

این احزاب با بقدرت رسیدن احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق به دنبال تکرار سناریوی آنها در کردستان ایران بودند. به همین دلیل خواستار دخالت نظامی آمریکا و گسترش

سیاستهای نظم نوینی آمریکا شدند. در همین راستا بود که احزاب ناسیونالیست از جمله حزب دمکرات کردستان اعلام آمادگی کردند که به زانده ارتش آمریکا تبدیل شوند. اما با شکست سیاست آمریکا در عراق و تحولاتی که در خود آمریکا به وقوع پیوست، این آرزو نیز برای احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان ایران به یاس مبدل شد. از این رو و بنا به فاکتورهای متعدد دیگری از این دست، مدتهاست که احزاب ناسیونالیست کرد دچار يك سردرگمی تمام عیار در سیاستهایشان شده اند.

مجموعه این تحولات را اگر ضربدر به میدان آمدن مردم در سراسر کشور برای سرنگونی این حکومت کنیم سبب شده است که حزب دمکرات کردستان دورنمای همکاری با حکومت اسلامی و یا جناحی از آن را در پیش بگیرد. اعلام آمادگی برای گفتگو و مذاکره با جمهوری اسلامی و آغاز مذاکره با افراد دست چنم جناحی از آن هر چند برای حزب دمکرات کردستان

تحقیر آمیز است اما این حزب راه دیگری جلوروی خود باز نمی بیند. حزب دمکرات کردستان هدف این نوع مذاکرات را طرح مطالبات مردم کردستان عنوان کرده است. اولاً این حزب هیچکدام از خواسته های بر حق مردم را نمایندگی نمی کند. دوما تنها موضوعی که این حزب تلاش کرده است فلسفه وجودی خود را به آن گره بزند مسئله ستم ملی است. اما در این عرصه هم احزاب بورژوازی و ناسیونالیست کرد هیچگاه به دنبال رفع ستم ملی نبوده و نیستند. بلکه کوشیده اند تا بر بستر ستم ملی انواع عقب ماندگی، تعصبات ملی و انواع خرافه ها را دامن بزنند و آنرا بعنوان پله ای برای سهیم شدن در قدرت و مصالحه و سازش با دولت مرکزی و از بالای سر مردم مورد استفاده قرار دهند. تلاشهای چند ماه اخیر حزب دمکرات که امروز در قامت مذاکره و نزدیک شدن به هر دو جناح حکومت اسلامی بیان میشود، بی افقی و ادامه سیاستهای ارتجاعی

## ۸ مارس چگونه ۸ مارس شد؟

از صفحه ۱

ب حساب نیامدن است. وجودش انکار می شود. به وجودش هر روزه توهین میشود. زن در این جامعه روزانه تحقیر میشود. زن حتی کلفت به معنای قدیمی تر کلمه هم بحساب نمی آید. در قوانین اسلامی این مملکت، برده جنسی مرد است. برده ای است که باید اسباب لذت "جنس برتر" را فراهم آورد. یک چنین وضعیتی است که اهمیت ۸ مارس را برای زنان ایران دوچندان می کند. در این تاریخچه مختصر ۸ مارس، مجبورم از جنبه تحلیلی تر مسئله چشم پوشی کنم. درباره مسئله زن و حتی تاریخچه ۸ مارس، می توان کتابها نوشت. اما فعلا مجبوریم به همین نوشته کوتاه بسنده کنیم.

وضعیت زنان قبل از تولد ۸ مارس

۸ مارس، روز جهانی زن، همانند اول ماه مه و روز "کارگر" در آمریکای شمالی، ریشه در مبارزه کارگران آمریکا برای کاهش روز و شرایط بهتر کار دارد. رشد صنعت و در نتیجه تولید سرمایه داری و شهرنشینی، بخش عظیمی از دهقانان را از زمین کند و برای به دست آوردن لقمه نانی، راهی شهرها کرد. زنان و کودکان، در اغلب رشته های کاری، با شرایط کاری بسیار بد و طاقتفرساتر به کار گرفته می شدند. مشاغل همانند امروز ایران به مردانه-زنانه تقسیم می شدند. زنان عمدتا در کارگاهها و کارخانه های بافندگی و کار خانگی با شرایط وحشتناک کاری و دستمزدهای تقریبا بخور و نمیری به کار گرفته می شدند. در این دوره از تاریخ جامعه طبقاتی است که سر و کله اتحادیه های کارگری اولیه پیدا می شوند. منتها همین اتحادیه ها هم کمتر به وضعیت زنان توجه داشتند. با اینحال این صرفا مبارزه کارگران مرد نبود که باعث عقب نشینی صاحبکاران و ایجاد این اتحادیه ها می شد. هر جا مبارزه ای در میگرفت، اگر زنان کارگر مستقیما در این مبارزات شرکت نداشتند، خانواده کارگران اعتصابی و در پیشاپیش آنها زنان این خانواده نقش مهمی در پیشبرد

دستکم گرفته می شد که جز زنان و بیماران روانی در تیمارستانها، همه شهروندان جامعه دارای حق رأی بودند! در انگلیس جان استوارت میل اولین نماینده پارلمان بود که از حق رأی زنان دفاع کرد که با مخالفت یکپارچه پارلمان روبرو می شود. بالاخره در نیوزیلند زنان در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۸۹۳، برای اولین بار در یک کشور دارای حق رأی می شوند. پادشاه پروس در سال ۱۸۴۸، در یک عقب نشینی سیاسی در برابر انقلاب، وعده هایی می دهد که حق رأی زنان یکی از این وعده ها است که هیچوقت عملی نشد.

چگونه ۸ مارس متولد شد؟

در سال ۱۹۱۰ ایده روزی به نام روز زن در سراسر آمریکا توسط فعالین جنبش زنان جدی تر گرفته شد. همان سال نمایندگان به دومین کنفرانس زنان سوسیالیست انترناسیونال دوم در کپنهاگ، با هدف پیشنهاد یک روز مشخص بعنوان روز جهانی زن شرکت کردند. روزی که مطالبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان، از جمله حق رای زنان، را برجسته کند. برای سوسیالیستها و مشخصا کمونیستها در آن دوره هم گرچه مسئله زن جایگاهی ویژه داشت، اما برای تعدادی از رهبران برجسته جنبش کمونیستی حق رأی دستکم گرفته می شد. در جنبش کارگری آن زمان، مردانی با افکار عقبمانده، مخالف دخالت زنان در امور سیاسی بودند و رهبران جنبش کمونیستی که مبارزه برای حق رأی زنان را دستکم می گرفتند، پافشاری بر حق رأی زنان را تفرقه افکنانه می دانستند! حزب سوسیال دمکرات کارگری آلمان که وزنه مهمی در جنبش سوسیالیستی آن زمان داشت، با رهبرانی چون کلارا زتکین، تا حدودی این افکار عقبمانده را به عقب راند.

کلارا زتکین با الهام از مبارزه و فعالیت های زنان کارگر جنبش کارگری آمریکا و فعالین سوسیالیست این جنبش، چهارچوب پیشنهاد خود برای روز مشخصی به نام "روز جهانی زن"، به این کنفرانس را آماده کرده بود. در پیشنهاد کلارا زتکین آمده بود که هر ساله در تمام کشورها روزی به نام روز زن جشن گرفته شود تا مطالبات زنان را در

این روز مشخص برجسته کند. این کنفرانس که بیش از ۱۰۰ نماینده زن از ۱۷ کشور جهان، از جمله اولین نماینده زن پارلمان فنلاند در آن شرکت کرده بودند، به پیشنهاد کلارا زتکین به اتفاق آرا و در فضائی گرم و صمیمانه و شادی و هلهله رأی مثبت دادند. بدین ترتیب، "روز جهانی زن" بدون مشخص کردن روزی مشخص در تقویم، متولد شد. این کنفرانس همچنین تصویب کرد که شعار "رأی برابر زنان، مبارزه ما برای رسیدن به سوسیالیسم را تقویت خواهد کرد." هر ساله در روز جهانی زن را بلند و برجسته کند.

بحث های زیادی در آن کنفرانس در گرفت. بحث حول حق و حقوق زنان، از جمله حق رأی زنان پا خورد و بیانیه هایی درباره حق رأی زنان و حق رأی همگانی، حق و حقوق مادری برای مادران متاهل و صرفنظر از حدود و ثغور دارائی افراد، که حق رأی آن زمان بر آن مبنا بود، بتصویب رسیدند. بحث های مهم دیگری از جمله ممنوعیت کار شبانه از آنجا که به سلامتی جسمی زنان ضرر می رساند، درگرفت و قطعنامه و بیانیه هایی در این رابطه مصوبه شدند. مزد برابر با مردان، روزکار هشت ساعته، لغو کار قراردادی و کنتراتی، مزد مکفی برای بیکاران و دستمزد کامل برای روزهای تعطیلی و غیره از مباحث و قطعنامه هائی بودند که در این کنفرانس به بحث گذاشته و بتصویب رسیدند. (از آنجا که درباره این کنفرانس بحث های مفصلی شده است و این کنفرانس یکی از مهمترین کنفرانس های از نوع خود بوده، لازم به اشاره دارد که آلکساندرا کولنتای، یکی از رهبران برجسته عرصه زنان حزب بلشویک از روسیه، در این کنفرانس با حق و حقوق مادری برای مادران متأهل مخالفت کرد و این حق را برای تمام مادران، صرفنظر از متأهل بودن درخواست کرد.)

سال بعد از تصویب روز جهانی زن در کنفرانس یادشده، روز جهانی زن توسط فعالین جنبش سوسیالیستی و جنبش زنان و با دخالت بسیار فعال خود کلارا زتکین در روز ۸ مارس، بلکه ۱۹ مارس جشن گرفته شد. منتها ۱۹ مارس هم اتفاقی نبود. بقول آلکساندرا کولنتای، برای حزب سوسیال

دمکرات کارگر آلمان یک تاریخی بود. همچنانکه بالاتر گفتیم، در روز ۱۹ مارس ۱۸۴۸ و در عقب نشینی در برابر انقلاب آن سال، پادشاه پروس وعده داده بود که حق رأی زنان را به رسمیت بشناسد.

سال ۱۹۱۱ اما سال ۲۰۱۰ نبود. از انیترتن و ماهواره خبری نبود. خبر روز جهانی زن و آمادگی برای آن روز توسط اعلامیه ها و خبرسانی ابتدائی آن زمان صورت گرفت و به پیش رفت. چند هفته قبل از ۱۹ مارس آن سال، دو نشریه مهم در آلمان (رأی زنان) و اتریش (روز زنان) منتشر و در سطحی وسیع توزیع شدند. مقالات و مطالب متعددی نیز بصورت روزنامه دیواری که به مسائل مختلفی می پرداختند و با تیترهای "زنان و پارلمان"، "زنان کارگر و امور محلی"، "زنان خانه دار را چه به سیاست؟" و غیره منتشر گردیدند. همچنانکه از تیترا این مطالب برمی آید، به برابری زنان و مردان در مشارکت در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تبعیض بر علیه زنان در عرصه ها پرداخته بودند. گرچه جشن و برگزاری مراسم روز جهانی زن در دو کشور اتریش و آلمان برجسته بود، اما این مراسم در کشورهای دیگری نیز، از جمله سوئیس و دانمارک هم برگزار گردید. رویهمرفته بیش از یک میلیون نفر در مراسم و راهپیمائی های تدارک دیده شده شرکت کردند. علاوه بر مطالبه حق رأی برابر، مطالبات دیگری از جمله لغو تبعیض در محیط کار، حق کارآموزی، حق اشتغال و غیره نیز مطالبه شد.

موفقیت این جشن، بسیار فراتر از انتظاری بود که فعالین این عرصه داشتند. کولنتای در باره مراسم های آلمان و اتریش از غلغله جمعیت می گوید که در هر گوشه و کناری و در هر شهر و شهری مراسمی برگزار شده بود. مردان در خانه به امور خانه داری می پرداختند و زنان آن روز دخالت در مسائل سیاسی و امور بیرون از خانه را برعهده گرفته بودند.

روز جهانی زن تا سال ۱۹۱۳ در روزهای غیر از ۸ مارس جشن گرفته میشد. روز جهانی زن در این سال در گرماگر جنبش اعتراض به جنگ جهانی با قدرت بیشتری در

## نگاهی به مصاحبه کورش مدرسی ...

از صفحه ۱

تصویری که کورش مدرسی و تیم اش ارائه می‌دهند با تصویر جناح‌های رژیم از لحاظ تحلیلی کوچکترین اختلافی ندارد زیرا که هر سه طرف معتقدند که فضای سیاسی ایران تحت تاثیر دو جناح است و به گفته کورش جناح سبز و سیاه. کورش مدرسی مدعی است که برخی جریان‌ها که وی از آنها تحت نام کمونیسم بورژوازی نام می‌برد، نگاهی ساده نگرانه به مبارزه طبقاتی در ایران دارند و تحلیل از اوضاع را به سیاه و سفید، شیر یا خطی و جبهه خلق بر علیه امپریالیست تقلیل داده اند. طبعاً خواننده انتظار دارد که رهبران حزب حکمتیست تحلیل معتبری را ارائه دهند اما جستجو بی فایده است. سیاسی را که اتخاذ کرده اند بیشتر به موضع جریان‌ها مدافع اسلام سیاسی و احمدی نژاد شبیه است. تحلیل آنها بسیار عقب تر از جریان‌ها بورژوازی و از لحاظ فاکت بی اعتبار و تحریف واقعیات است که با تحلیل جریان‌ها مانند طالبان، حسین شریعت‌مداری و ملا عمر بیشتر هم خوانی دارد. حتی بعید بنظر می‌رسد که احزابی نظیر سازمان حسن نصراله چنین پرت و پلاهایی را بیان کنند.

قبل از اینکه بخش‌هایی از مصاحبه کورش را بررسی کنم، توجّهتان را به بخشی از مصاحبه منصور حکمت با نشریه پرسش جلب می‌کنم. منصور حکمت ۱۲ سال پیش در دوره ای تقریباً شبیه به این دوره دوره ای که امکان سازش و بند و بست جناح‌ها بسیار بیشتر از امروزه مبارزه مردم به وسعت این دوره نبود اوضاع سیاسی را چنین تبیین می‌کند:

" رژیم اسلامی، به عنوان یک وصله ناجور بر پیکر جامعه، سرکار آمد تا انقلابی که رژیم شاه در سرکوشش مانده بود را خفه کند و چپ را بکوبد. اسلام‌یون در این حرکت موفق شدند. اما ساختن یک دولت متعارف و ماندگار امر دیگری است. رژیم اسلامی بنا به ماهیت خود نمیتواند چنین دولتی باشد. مردم ایران، جامعه ایران، بنا

بیافزاید، که این خط خاتمیون است، و یا اینکه هر تعدیل به روزنمای برای گسترش تحرک مردم علیه کلیت رژیم منجر میشود و لذا باید زد و ماند، که این خط خامنه‌ای و مخالفان خاتمی است. به نظر من هیچیک از این دو استراتژی حاصلی برای اینها ندارد. هر نوع سازش رژیم، واقعاً به ناسازگاری بیشتر مردم و گسترش مبارزه برای آزادی و سرنگونی کل رژیم میانجامد. از سوی دیگر دوره "زدن و ماندن" گذشته و چنین سیاستی از پیش محکوم به شکست است."

(پرسش شماره ۱ - دی ۱۳۷۷ - دسامبر ۱۹۹۸)

کورش مدرسی در مصاحبه با رادیوی زنان در استکهلم تاریخ ۲۱ فوریه اوضاع سیاسی و دو جناح را چنین تحلیل میکند:

" جامعه طبقاتی است. دولت سرمایه دارهاست و دارد خودش را منطق بر نیازهای سرمایه داری سود بیشتری تولید شود میکند و میخواهد منطقی تر و هدفمندتر بشه. جدالهایی شکل گرفته که جامعه چطور اداره بشه هر کدام از بخشها تلاش دارند جامعه را به آن سمت ببرند. جامعه در حال تکان خوردن است و فضا برای جنبشهای بورژوازی باز میشه و برای همه هم. اشتباه دیگر در تحلیل اوضاع همیشه انگیزه شرکت کنندگان است مجاهدین افغانی میگفتند که اشغالگران را بیرون کنیم. هر جنبش ارتجاعی نیامده آدم بسوزاند... آمده که از زندگی خودش دفاع کند.

"... این جنبش نه برای آزادی، نه برای برابری و سرنگونی است... با دعوی سبز نمیتوان کاری کرد. نمیتوانید در جنبش طالبان و یا مجاهدین افغان شرکت کنید و فکر کنید که میتوانید کاری کرد.

"... احتیاج دارید سازمان داشته باشید همیشه همین طوری رفتن خیابان و شلوغ کرد. این حرف این مدت ما بوده است. ما راه سازمان دادن را نشان داده ایم و هنوز هم می‌دهیم. نه اینکه قاطعی سینه زنان عاشورا شویم... اینها متوهم هستند... ۸ مارس در راه است شما باز میخواهید برید پارک لاله و ده نفر جمع شوید دو تا شعار بدیم و بعد در برویم... امروزه اول جنگ است نه آخر جنگ. چرا وسط دعوی یکی دیگر بریم برای توده ای

که آمده سینه بزند و فکر میکند با سینه زدن خودش را نجات میدهد یک فرمول انقلابی پیدا کنم اگر کسی گفت نرید میگویند کاری نمیکنند..."

"... یا کارگرانی که به دفاع از هیتلر چیز درستی در آمد مگر کسی توانست بگه مبارزه کارگرها بحق نیست مگر برای بیکاری حتی نبود مگر آن کارگرها آمده بودند آدم در کوره بسوزانند." ( در اینجا منظور کورش این است که مبارزه جاری در ایران و حضور کارگر و جوان و غیره با آلمان دوره بقدرت رساندن هیتلر شبیه است. )

" نقش کمونیست‌ها در جنبش طالبان چیه میتوانید توضیح بدهید چرا باید در جنبش دیگران نقش بازی بکنیم."

چند نکته مهم در این مصاحبه هست اولاً ضدیت این جریان با چپ. سم پاشی و تحقیر جریان‌ها رادیکال و انسان‌دوست و بویژه احزاب و جریان‌ها که بر علیه حکومت مذهبی در ایران فعالیت میکنند یک وجه مهم از هویت این حزب را تشکیل میدهد ثانیاً سکوت و از زیر تیغ در بردن اسلام سیاسی و جناح خامنه‌ای. اگر به نوشته‌ها و مصاحبه‌های اعضای رهبری این حزب مراجعه شود تنفر پرآکنی و دشمنی این حزب با اپوزیسیون که جمهوری اسلامی را تضعیف میکند کاملاً مشهود است. سومین نکته و در ادامه نکات قبل تحریف واقعیات مبارزه مردم در ایران و مقایسه دلخواهی اپوزیسیون با طالبان و مجاهدین افغانی. در این مصاحبه و کلاً خطی که در این مدت رهبری این حزب در پیش گرفته مبارزه مردم را بدون هیچ شرمی به طالبان، مجاهدین افغانی تشبیه میکنند. باید پرسید که اگر ادعای کورش مبنی بر ضد بشر بودن طالبان و مجاهد افغانی صحت دارد، چرا مبارزه وسیع مردم بر علیه همین طالبانها در ایران که در واقع نیروی اصلی اسلام سیاسی و ستون فقرات همان طالبان و مجاهدین مورد نظر این دارودسته است، کورش را از خود بی خود عصبی و پریشان کرده است.

تحلیلی که حزب حکمتیست از جدال جناح‌ها دارد این است که حکومت ایران برای منطبق کردن خود با نیازهای سرمایه داری

میخواهد نقشه مند تر حرکت کند و جدال جناح‌ها برای سهم ببری بیشتر از امکانات جامعه است. این تحلیل کوچکترین واقعیتی را نه تنها بیان نمیکند بلکه برای سرپوش گذاشتن بر واقعیتی بنیادی تر ب میدان آمده است. جدال جناح‌ها برای حفظ نظام است و اساساً شدت یابی اختلافات آنها به دلیل بحرانی است که این رژیم گریبانگیر آن است و یکی از دلایل بحران تنفر عمیق مردم از این حکومت است مردم این حکومت را نمی‌خواهند و برای سرنگونی آن روز شماری میکنند و نه تنها این بلکه در هر فرصتی که برایشان مقدور بوده است عملاً بر علیه آن بوده‌اند. این را هر دو جناح عمیقاً درک کرده‌اند و تمام کوشش آنها بر خلاف ایده سطحی و عوام فریبانه کورش نه بخاطر سهم بیشتر از امکانات و چپاول مردم بلکه در وهله اول برای نگه داری نظام و رفع بحران موجود است. تحلیل کورش مدرسی و کلاً این حزب بسیار عقب تر از بی بی سی و حتی برخی از سران "اصلاح طلب" است

بالاخره حتی بی بی سی و سایت‌های خبری غرب اتفاقات روز ۶ دی (عاشورا) و تحقیر مقدسات جمهوری اسلامی و به آتش کشیدن بنرهای خامنه‌ای و احمدی نژاد رادر سطحی منتشر کرد و همه تحلیل گران از نقطه عطفی در تاریخ مبارزات نام بردند زیرا که در این روز نیروی عظیم شرکت کننده جمهوری اسلامی را غافلگیر کرد و وسعت تهران با نیروهای رژیم درگیر شدند و در مواردی محلاتی به کنترل مردم در آمد و به نیروهای سیاه و آدم کش انتظامی و لباس شخصی، به قاتلین مردم و شکنجه گران و مسئولین زندانها و تجاوزگران تعرض کردند و موتورهای این اوباش را به آتش کشیدند و با شادی تمام دور آن رقصیدند. آرزوی یکی از مقاطع عقب نشینی جمهوری اسلامی بود و مردم بقدرت خود پی بردند و اعتماد بنفس بیشتری پیدا کردند که بی شک انگیزه و الهامی برای حرکات آینده خواهد بود. جناب رهبر خامنه‌ای خیل آخوندها را جمع کرد و مسئله ای که در صدر و مرکز توجه قرار گرفت "اهانت به مقدسات اسلام" در روز عاشورا بود. فیلم این جلسه

## نگاهی به مصاحبه کورش مدرسی ...

از صفحه ۴

پخش شده و چهره وحشت زده خامنه ای و علمای اعلام را همه دیده اند. گزارش تمام سایتها و کلیه فیلم و عکسهائی که توسط جوانان و شرکت کنندگان در تظاهرات آنروز پخش شد حاکی از این بود که مردم روز عاشورا را بر سر جمهوری اسلامی خراب کردند و در هیچ نقطه ای مراسم مذهبی برگزار نشد و آنچه در آنروز اتفاق افتاد تماما مبارزه و شعار بر علیه حکومت اسلامی و ایت اله های قاتل و دزد بود. جناح رقیب که مانند جناح خامنه ای دچار وحشت شده بود خود را از ماجرا کنار کشید و التزام و وفاداری خود را به اسلام و مقدسات آن که وسیعا و هر روزه و بویژه در روز عاشورا پایمال شده بود اعلام کرد. در این میان تنها کورش مدرسی و برخی از اعضای مایوس و مسخ شده رهبری حزب حکمتیست بودند که علنا تحریف کردند و روز ۶ دی ماه (عاشورا) و حرکت مردم بر علیه کلیه مقدسات اسلامی را بطور دلخواهی بروز سینه زنان تبدیل کردند. کورش مدرسی این حرکات را

اطلاع رسیده است. با شروع دور اخیر مبارزات در ایران، حزب الهی های کشورهای خاورمیانه و سازمانهای وابسته در دیگر نقاط ماتم گرفتند و بدرجات زیادی موقعیت خود را در فضای سیاسی کشورهای مختلف از دست دادند و کاملا قابل تصور است که مبارزه تا کنونی مردم بر علیه جمهوری اسلامی چه خدمت بزرگی به زنان، جوانان، کودکان و سایر اقشار فقط در خاور میانه کرده است بی هیچ تردیدی مردم در این کشورها مانند مردم ایران برای سرنگونی این رژیم قاتل و مفت خور روز شماری میکنند. جناحهای رژیم از بی اعتبار شدن حکومت اسلامی در خاورمیانه و جهان و دورنمای تاریک اسلام سیاسی شدت نگران هستند اما نگرانی کورش مدرسی را چگونه باید توضیح داد.

چرا حزب حکمتیست فراموش نمیکند با حسن نصر اله و فلان شیخ و دارودسته تروریست در بغداد ابراز لطف و همدردی کند و آنها را طرفدار منافع مردم و کارگر پناه بنامد اما در همان حال با تنفر و لجن پراکنی که خاص این دارودسته است بر علیه چپ و جریانات کمونیست حرف بزند. چرا نه تنها از مردم ایران، از جوانان و زنان که

جمهوری اسلامی را دوشقه کرده اند و بر علیه این قاتلان مبارزه میکنند پشتیبانی و ابراز همدردی نمی کنند بلکه حتی ضدیت هم میکنند. میتوان در نظر مجسم کرد که حسن نصر اله و ملا عمر و رهبران مجاهد افغان چه احساسی نسبت به تضعیف شدن جمهوری اسلامی دارند. جریان حزب اله در تمام کشورها ماتم گرفته و با احساس کینه نسبت به مردم ایران و امید به فرا رسیدن روزی که دوباره بتوانند با قتل عام و خونریزی موقعیت قبلی را اعاده کنند، در حال نقشه هستند و دعا میخوانند و سینه میزنند. آیا وجه تشابه زیادی بین موضع و احساس رهبران حزب حکمتیست با جریان حزب اله و طالبان که سنگ ضدیت با آنها را بسینه میزند وجود ندارد. مصاحبه های کورش و دور و بریهاش تصویر آدمهای بی احساس و قصی القلب را در ذهن شنونده زنده میکنند. آدمهای عاری از عاطفه ای که درد و رنج و مهمتر از آن فداکاری و جانفشانی توده وسیعی از مردم با هدف از سر راه برداشتن جانیان جمهوری اسلامی را به ریشخند میگیرند. ادعای کورش مبنی بر ضدیت با طالبان واقعیت ندارد و بعنوان حربه ای اتفاقا برای مبارزه با مردم آزادیخواه بکار گرفته

میشود. اگر این ادعا صحت داشت چرا شمشر در هوا میچرخاند و به جنگ طالبان واقعی و موجود در حکومت فعلی ایران نمی روند. میگویند وقتش نیست. باشد، اگر وقتش نیست اما چرا از تضعیف این طالبان مثل مار زخمی بخود میپیچند و بر علیه مردم لجن پراکنی میکنند. طالبان و مجاهدین افغانی خواندن مردم مبارز ایران، در عمل دفاع از طالبان واقعی و در قدرت است که همه ما شاهد جنایات سی ساله آن بوده ایم. واقعیت این است که حزب کورش مدرسی به دلیل سیاستهای ضد مردمی و دفاع غیر مستقیم از اسلام سیاسی بیش از پیش حاشیه ای تر شده با این حال نباید به ظرفیت ضدیت بخشی از رهبری این حزب با مبارزات چپ و آزادیخواهانه احزاب و مردم بی توجه بود. این حزب هم چنانکه نشان داده نقش دلسرد کردن جریانات مخالف جمهوری اسلامی را در پیش گرفته است. آلوده کردن فضای سیاسی اپوزیسیون و سم پاشی بر علیه چپ، دیگر هویت این حزب را تشکیل میدهد.

۲۳ فوریه ۲۰۱۰

## ۸ مارس چگونه ۸ مارس شد؟

از صفحه ۳

بسیاری از کشورهای اروپائی و از جمله برای اولین بار در روسیه جشن گرفته شد. در بسیاری از کشورها این "روز" در ۸ مارس و یا چند روز پس و پیش ۸ مارس، یا بر علیه جنگ و یا در همبستگی با زنان کشورهای دیگر در جنگ گرامی داشته شد. اهمیت ۱۹۱۳ از این جهت است که روز ۸ مارس در این سال بعنوان روز جهانی زن تثبیت شد. و بالاخره روز ۸ مارس در سال ۱۹۷۵، یعنی حدود ۹۰ سال بعد از مبارزاتی سخت برای تثبیت روزی به نام روز زن، سازمان ملل نیز به این روز بعنوان روز جهانی زن تن داد.

اهمیت امروز ۸ مارس

الکساندرا کولنتای در نوشته ای در باره هشت مارس، سئوالی را مطرح میکند: "اگر روز جهانی زن

که در طول تاریخ برایش راحت تر بوده، تحمیل بیحقوقی بیشتر به زنان، با کمک گرفتن از مذهب و بجلو صحنه آوردن دوباره مذهب بوده است.

ما در روز جهانی زن، مطالبات زنان را برجسته می کنیم چرا که معیار آزادیخواهی هر جامعه ای در دفاع از حقوق زنان و در برخورد به حقوق زن است. ما مراسم ۸ مارس را به نام زنان برگزار می کنیم چرا که در جامعه امروز زن به اندازه همان سالهای دهه اول قرن گذشته بیحقوق است. تحقیر می شود و در بخش عظیمی از جهان بعنوان نصف مرد به حساب می آید و هیأت حاکمه بخش دیگر جهان به این توهین و تحقیر تن داده و از آن استفاده می کند. دفاع از حق زن نه تنها به اتحاد و یکپارچگی جنبش کارگری در مبارزه برای رسیدن به آزادی و برابری واقعی ضربه نمی زند، بلکه این جنبش را تقویت می کند؛ چرا که امروز زنان به همان اندازه در تولید و

سوخت و ساز جامعه مشارکت دارند که مردان در این امر دخیلند.

۸ مارس روز جشن طبقه کارگر است. ۸ مارس روز زنان و مردان است. روز اعتراض به بی حقوقی در این جامعه و در پیشاپیش آن، اعتراض به بی حقوقی زن در این دنیا است.

۲۴ فوریه ۲۰۱۰

**یک دنیای  
بہتر  
برنامه حزب  
را بخوانید و  
در سطح  
وسیع توزیع  
کنید**

## حزب دمکرات

و موضوع مذاکره ...

از صفحه ۲

این حزب است. در مقابل این تلاشها ما شاهد عروج چپ، آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه کردستان هستیم. وجود این پدیده امید و آرزوی دیرینه احزاب ناسیونالیست کرد برای کنار آمدن با حکومت اسلامی را عقیم گذاشته است.

مردم با سرنگونی حکومت اسلامی و با تحقق خواستهها و مطالباتی که جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی چپ، رادیکال و انسانی، در سراسر کشور فریاد می زنند، حزب دمکرات کردستان و دیگر جریانات ناسیونالیست کرد را حاشیه ای تر خواهند کرد.

۲۲ فوریه ۲۰۱۰

## جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار (آی ال او) اخراج شود

به: سازمان جهانی کار، (آی ال او)

### از: کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران

غیره ...

اما ما به اعتراضات خود ادامه میدهیم. ما همان کسانی هستیم که در اجلاس سال گذشته در کنفرانس شما شرکت کردیم و با دست داشتن عکس های کارگران دستگیر شده اول مه ۲۰۰۹ و اعلام اینکه جمهوری اسلامی قاتل مردم ایران و کارگران است، مخالفت خود را با شرکت هیات جمهوری اسلامی در اجلاس شما اعلام کردیم و گفتیم که جمهوری اسلامی باید از همه مراجع جهانی اخراج شود، و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار "آی ال او" شدیم. ما صدای اعتراض کارگران و مردم ایران هستیم و در سه اجلاس قبل شما نیز حضور داشتیم و باز همین خواست اعتراضی خود را اعلام کردیم. اما علیرغم همه این اعتراضات، علیرغم انقلاب

اجلاس سالانه آی ال او نزدیک است و لایذ باز هیات جمهوری اسلامی از شرکت کنندگان در این اجلاس خواهد بود. ما از هم اکنون اعتراض خود را به این موضوع به شما اعلام میکنیم. حضور هیات جمهوری اسلامی هر ساله مورد اعتراض کارگران و ما و ایرانیان معترض در خارج کشور قرار گرفته است. ما هر ساله شاهد وسیعترین حمایت اتحادیه های کارگری جهانی از مبارزات کارگران و مردم ایران بوده ایم. اما سازمان جهانی کار نه تنها به این اعتراضات توجه نکرده است، بلکه بعضا جمهوری اسلامی را در بخش سازمان و اداره امور خود دخیل کرده است، همواره از هیاتهای اعزامی جمهوری اسلامی استقبال کرده و با آنها نشست و گفتگو داشته است و دفتر نمایندگی خود در ایران را نیز باز کرده است و

جاری در ایران و خواست مردم ایران برای سرنگونی این رژیم و علیرغم همه جنایاتش، به نظر میرسد جمهوری اسلامی هنوز جزو شرکت کنندگان اجلاس شما قرار دارد. از نظر ما همانطور که رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی با تحریم سیاسی بین المللی روبرو شد، جمهوری اسلامی این حکومت آپارتاید جنسی در ایران، این حکومت ضد انسان، ضد کارگر، و حکومت سرکوب و اعدام باید با وسیعترین تحریم سیاسی جهانی روبرو شود و بعنوان اولین گام، از سازمان جهانی کار که مدعی نمایندگی کارگران جهان است، اخراج شود. این اخطار مردم ایران و انقلاب ماست. این موضعی است که با حمایت وسیع مردم جهان همراه است که به شیوه های مختلف حمایت خود را از کارگران و مردم

ایران ابراز کرده اند. ما اعلام میکنیم، اگر باز جمهوری اسلامی در اجلاس شما شرکت داشته باشد، در همان روز اول اجلاس با صف اعتراض وسیع ما مردم معترض ایران که در خارج کشور هستیم روبرو خواهید بود. ما نمیگذاریم. ما فشار می آوریم که سفارت خانه های جمهوری اسلامی این لانه های ترور و جاسوسی در همه کشورها بسته شوند. ما فشار میاوریم که جمهوری اسلامی از همه مراجع جهانی و از جمله آی ال او اخراج شود و ما خواهان محکوم کردن جمهوری اسلامی بخاطر سرکوبگری هایش و آزادی فوری همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان هستیم.

هم اکنون بیش از دو سال است که منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای واحد در زندان است. ابراهیم مددی عضو هیات مدیره این سندیکا و علی نجاتی رئیس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه در زندانند و فرزند کمانگر معلم مبارز حکم اعدام بر روی سرش قرار دارد. ما خواهان

فشاری بین المللی به جمهوری اسلامی برای آزاد کردن همه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی از زندان هستیم. ما تلاش میکنیم که وسیعترین حمایت بین المللی کارگری را از خواسته های برحقمان جلب کنیم. از نظر ما بویژه در شرایط کنونی که کارگران و مردم ایران بطور میلیونی علیه این حکومت به میدان آمده اند، و جمهوری اسلامی به اقدامات ضد کارگری خود شدت بخشیده است، هیچ بهانه و توجیه دیپلماتیکی برای ادامه حضور هیئت جمهوری اسلامی در کنفرانس آی ال او قابل قبول نیست. جمهوری اسلامی را به اجلاس جهانی کار راه ندهید.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران  
همانگن کننده شهلا دانشفر  
روابط عمومی بهرام سروش  
۱ اسفند ۱۳۸۸ - ۲۰ فوریه ۲۰۱۰

## نامه سرگشاده مینا احدی به آنجلا مرکل

از صفحه ۱

با این جانیان، به یاری اینها نشتابد. از طرف هزاران نفر ایرانیان ساکن آلمان، و از طرف مردم منزجر از حکومت اسلامی، از شما و دولت آلمان میخواهم به این سیاست ضدیت با مردم ایران پایان دهید. ما خواهان بسته شدن فوری سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران و قطع روابط دیپلماتیک شما با این فاشیستهای قرن هستیم. اگر درسی از تاریخ دوران سیاه هیتلر گرفته شود، عدم همکاری با هیتلرهای زمان است. با احترام مینا احدی  
۲۳ فوریه ۲۰۱۰  
minaahadi@aol.co  
م آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

و فیشر، سعی کرد خاتمی را بدلیل اینکه زنان را در زندان سنگسار میکرد و نه در خیابان، دولت مشروع و "اصلاح طلب" معرفی کرده و کنفرانس "ایران بعد از انتخابات" را در سال ۲۰۰۰ سازمان داد، به امید اینکه مشروعیت بیشتری برای جانیان حاکم بر ایران بخرد. امروز که میلیونها نفر از مردم ایران فریاد سرنگونی این حکومت مذهبی و ضد زن را سر میدهند، کماکان دولت شما، از این حکومت جنایتکار دست نمیکشد و روزی نیست که با دعوت از سفیر حکومت اسلامی در آلمان، که در پرونده سیاهش جنایات بیشماري حك شده، و سایر تروریستهای اسلامی لانه کرده در سفارتخانه های جمهوری اسلامی، و سازمان دادن "دیالوگ"

میکند. خانم مرکل! دولت آلمان، یکی از ستونهای مدافع حکومت اسلامی بوده و هست! اینرا لطفا در مدارس آلمان به کودکان آلمانی تدریس کنید، که دولت شما و دولت های قبلی، بدلیل منافع اقتصادی و سیاسی، هیچگاه بطور علنی علیه سنگسار یعنی تکه تکه کردن زنان و همجنسگرایان در خیابانهای تهران و تبریز و شیراز حرفی نزد، هیچگاه علیه مراسم شنیع اعدام جوانان در خیابانها، حرفی نزد و هیچگاه به دستگیری میلیونها زن در ایران به جرم عدم رعایت حجاب و شلاق خوردن این زنان و اسید پاشیدن به صورت های آنها، اعتراضی نکرد. مردم ایران فراموش نمیکند که دولت آلمان در دوره حکومت شرودر

## خبرگزاری هرانا - در طی روزهای گذشته دو زن و یک دختر در مناطق کردنشین اقدام به خودکشی کرده و جانباختند

تازآباد از توابع شهر جوانرود به نام "رعنا" که صاحب هفت فرزند نیز بود اقدام به خودسوزی کرده و در دم جانباخت. پدیده خودسوزی در مناطق کردنشین به دلیل عدم حمایت قانون گذار و سنت های رایج در منطقه در سطح بالایی در جریان است. موسوی، مدیر کل دفتر آسیبهای اجتماعی بهزیستی امروز در گفت و گو با خبرگزاری مهر اعلام کرد: "بر اساس آمارهای بهزیستی آمار خودکشی ۷ عدد در ۱۰۰۰ نفر در زیر ۳۰ سال در کشور است

در روز بیست و یک بهمن ماه، در شهر مریوان "مهرانه شریفی" به دلایل مشکلات اجتماعی اقدام به خودکشی "حلق آمیز" نمود و طی این اقدام جان خود را از دست داد، نامبرده سال گذشته ازدواج کرده بود. همچنین روز پنج شنبه مورخه بیست و نه بهمن ماه، "ویدا عزیزبانی" دختر کرد سنندجی که هفته قبل از آن به دلایل مشکلات خانوادگی اقدام به خودسوزی کرده بود، به دلیل شدت جراحات در بیمارستان بعثت شهر سنندج جان خود را از دست داد. در ادامه پدیده خودسوزی زنان در کردستان، يك زن دیگر اهل

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!